



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



الحق الرحیم
علیه صلی الله علیه و آله

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بازخوانی رفتار سیاسی

امام حسین علیه السلام

در عصر معاویہ

محمد باقر پور امینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه
۶	مشخصات کتاب
۶	مدخل
۶	دفاع از امیرمومنان
۹	نقد عملکرد معاویه
۱۰	واکنش در برابر تصفیه خونین
۱۱	مخالفت با ولایت عهدی یزید
۱۳	روشنگری و هدایت نخبگان
۱۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: پورامینی، محمدباقر ۱۳۴۷-

عنوان و شرح مسئولیت: بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه [منبع الکترونیکی] / محمدباقر پورامینی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۵.۴KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

مدخل

امام حسین (ع) در سال ۴۱ هجری و پس از شهادت برادر ارشدش امام حسن مجتبی (ع)، منصب الهی داشت امامت را عهده دار شد. ده سال نخست امامت امام با زمامداری معاویه تلاقی داشت در این مقطع معاویه که از شهادت امام مجتبی (ع) بسیار خرسند بود، در تثبیت سلطه امویان کوشید و دایره اهل بیت ستیزی را گسترش داد او حتی فدک را میان مروان حکم عمرو بن عثمان و یزید تقسیم کرد. و در همین دوره بود که دوستانداران امیرمؤمنان (ع) را به جرم پیروی از حضرتش به شهادت رساند و زمینه ولایت عهدی یزید را فراهم آورد. این مقطع از دوره امامت حسین بن علی (ع) را می توان مقطع «سال های دشوار و راه های ناهموار» نامید از این روباز خوانی این دوران مدخلی برای شناخت رفتار سیاسی آن حضرت است

دفاع از امیرمؤمنان

از دفاع اصلی معاویه اعتبار بخشی به صحابه پیامبر و کاهش دادن جایگاه و فضیلت های اهل بیت بود از این رو دشنام به امیرمؤمنان (ع)، محوری ترین سازوکار او و کارگزارانش تلقی شد به گونه ای که وقتی فردی مغیره در سال ۴۱ به عنوان والی کوفی منصوب شد، معاویه به او تأکید کرد: «دشنام به علی و مذمت او را از یاد مبر، از یاران او عیبجویی کن حرف آنان را گوش نکن و ایشان را تبعید کن» مروان حکم که اداره شهر مدینه را در دست داشت گستاخی و جسارت به امیرمؤمنان (ع) را به اوج برساند و با هر بهانه ای به علی (ع) دشنام می داد. معاویه در پی آن بود که «کودکان

بر بدگویی ها و لعن ها بر امام علی (ع) تربیت شوند و قامت کشند و بزرگان پیر شوند و دیگر یاد کننده ای باقی نماند که یاد او و فضیلت های او را بدانند و زنده نگاه دارد!». در برابر چنین اندیشه باطلی امام حسین (ع) با بهره گیری از هر فرصتی نام و یاد امیرمؤمنان (ع) را زنده نگه داشت امام حتی در نام گذاری فرزندانش نیز همگان را علی نامید مروان حکم چون از نام امام سجاد (ع) و برادرش جو یا شد و شنید که آن دو علی اند، خشمگین گشت و فریاد زد: «علی علی پدر تو نمی خواهد فرزندان خود را جز علی بنامد.» امام در واکنش به این سخن مروان فرمود: «لو ولد لی مائه لاحتبت ان لا أُسمی احدا منهم الا علیاً؛ اگر صد فرزندم آید دوست دارم هیچ یک را جز علی بنامم» امام حسین (ع) در تبیین جایگاه الهی و رفیع امیرمؤمنان (ع) بسیار کوشید تا از تأثیر تبلیغات معاویه بکاهد. حضرت در حضور معاویه و در یک مجلس رسمی لب به سخن گشود و فرمود: «من فرزند کسی هستم که در بزرگواری برجسته در شرافت و الاء در نیکنامی دیرین خانوادگی بر همه اهل دنیا سرور است من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای رحمان و خشم او خشم خدای رحمان است. آن گاه رو به معاویه کرد و فرمود: «آیا پدر تو همچون پدر من است آیا پیشینه تو همچون پیشینه من است اگر بگویی نه شکست خورده ای و اگر بگویی آری دروغ گفته ای» یک سال قبل از مرگ معاویه در سال

۵۹.ق امام حسین (ع) پیش از عزیمت به حج از بنی هاشم و دوستداران پیروان و نخبگان دعوت کردند که به حج آیند و در منی در جمع ۷۰۰ نفر که ۲۰۰ نفر آنان از صحابه رسول خدا (ص) بودند، به ایراد سخن پرداختند. حضرت با بیان این جمله که «دیدید و شاهد بودید که این شخص طغیانگر (معاویه درباره ما و شیعیان ما چه اعمالی روا داشت» از عملکرد معاویه در تثبیت قدرت در خاندان اموی انتقاد کرد و همگان را بر ثبت و انتشار واقعیت حاکمیت دینی و محوریت آن در امیرمؤمنان (ع) فرا خواند و با سوگند دادن صحابه و تابعین به هفده مورد از فضیلت های انحصاری امیرمؤمنان (ع) و شأنیت او برای خلافت پیامبر (ص) اشاره کرد. امام حسین (ع) به همه مطالبی که خدا در قرآن در شأن علی بن ابی طالب و خاندانش نازل کرده یا بر زبان پیامبرش جاری ساخته بود، آنان را قسم داد، از جمله فرمود: «شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید که علی بن ابی طالب برادر رسول خدا (ص) بود، هنگامی که پیامبر (ص) بین اصحابش برادری پدید آورد، بین او و خودش برادری برقرار کرد و فرمود: تو برادر منی و من برادر تو هستم در دنیا و آخرت! رسول خدا (ص) روز غدیر خم علی (ع) را به ولایت نصب کرد و فرمود: باید حاضران به غایبان برسانند؟ پیامبر در جنگ تبوک به علی (ع) فرمود: تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسایی و تو پس از من زمامدار هر مؤمنی رسول

خدا (ص): هنگامی که نصارای نجران را برای مباحله فرا خواند جز علی (ع) و همسرش (فاطمه (س) و دو فرزند او (حسن و حسین (ع)) را نیاورد. پیامبر هیچ سختی و گرفتاری پیش نمی آمد مگر که علی (ع) را پی آن می فرستاد به خاطر اطمینانی که به او داشت او هیچ گاه او را به اسمش صدا می زد مگر که می گفت ای برادرم و (یا) برادرم را فرا خوانید؟! او هر روز با رسول خدا (ص) خلوتی داشت و هر شب بر منزل پیامبر (ص) داخل می شد هر گاه می پرسید، پیامبر (ص) پاسخش می گفت و هر گاه سکوت می کرد، پیامبر (ص) خود آغاز سخن می کرد. «هنگامی که امام این ویژگی ها را بیان داشت همگان سخنان حضرت را تصدیق کردند. آن گاه امام تاکید نمود: «سخن مرا بشنوید و گفتارم را بنویسید، سپس به شهرها و قبایل خود برگردید و هر کس را که به او ایمان و اطمینان دارید، به آنچه درباره ما و حق ما می دانید دعوت کنید، چون من بیم دارم این امر کهنه شود و حق از بین رفته مغلوب گردد. خداوند نور خود را به اتمام می رساند، اگر چه کافران را خوش نیاید.»

نقد عملکرد معاویه

امام حسین (ع) هر چند بر پیمان صلحی که برادر امضاء کرده بود، وفادار ماند، اما این به معنای سکوت در برابر رفتارهای زشت معاویه نبود. وقتی معاویه در نامه ای به امام به دروغ از تلاش حضرت برای نقض صلح سخن راند، امام حسین (ع) در پاسخ چنین ادعایی را رد کرد و فرمود: «گمان ندارم که برای پیکار نکردن با تو نزد خدا بهانه ای داشته باشم و من برای این امت هیچ فتنه ای را بزرگتر از

زمامداری تو سراغ ندارم» به گفته مورخان امام به معاویه نامه ای نوشت که در آن با او به تندی سخن راند و او را ملامت کرد. این رفتار سیاسی امام تا پایان دوره خلافت معاویه ادامه داشت و حضرت هرگز از نقد عمل کرد معاویه خودداری نکرد، امام به او می فرمود: «من تو را نمی بینم جز این که خود را هلاک و دینت را نابود و زیر دستان خود را تباه ساخته ای»

واکنش در برابر تصفیه خونین

معاویه جدا از حذف نام و یاد علی (ع)، به تصفیه خونین یاران و دوستانان امیرمؤمنان (ع) پرداخت و چهره های شاخص و نامداری چون حجر بن عدی را که در علی دوستی و ترویج فرهنگ علی شهره بودند و با ستمگری و بدعت های او مخالف از دم تیغ گذراند. حجر یکی از مدافعان سرسخت امیر المؤمنان (ع) بود و در مقابل بی حرمتی و جسارت های بنی امیه نسبت به امام ایستاد زیاد بن ابیه حجر را دستگیر کرد و او و یارانش را به زنجیر کشید و به شام فرستاد. او در نامه اش به معاویه حجر را رأس طاغوت های طرفدار ابوتراب علی (ع) دانسته که معاویه را قبول ندارد. او در نامه شهادت برخی از بزرگان شهر را نیز برای معاویه یاد آور شد. امام در شهادت دوستان امیر مؤمنان (ع)، همچون عمرو بن حمق حضرمی و حجر بن عدی که تنها به این بهانه که پیرو دین علی بودند، واکنش نشان داد و به معاویه تاکید کرد: «از بدگویی تو به علی (ع) و تلاش تو در کینه توزی ما و عیب جویی از بنی هاشم آگاهم آن

گاه در نامه ای فرمود: «آیا تو نبودی که حجر و یاران او را که عبادت گر و خاشع در برابر خداوند بودند، کشتی کسانی که بدعت ها را وحشتناک می شمردند و امر به معروف و نهی از منکر می کردند. آیا تو نبودی که عمرو بن حمق را به شهادت رساندی او که پرستش خدا چهره اش را فرسوده بود. آیا تو نبودی که حضرمی را کشتی کسی که زیاد بن ابیه به تو نوشت او بر دین علی (ع) است دین علی (ع) همان دین پسر عم او رسول خدا (ص) است که تو را در این مسند نشانده است و اگر دین اسلام نبود، برترین شرافت تو پدران همان کوچیدن پردردسر زمستان و تابستان بود، خدا به برکت ما منت بر شما نهاد و آن را از شما برداشت» سالار شهیدان در نامه ای دیگر به معاویه چنین فرمود: «معاویه جز در کمان خود زه میند و جز به مقصد خود تیر میفکن و ما را از جایی نزدیک هدف مگیر. به خدا سوگند در ارتباط با ما از کسی پیروی می کنی که در اسلام سابقه ای دارد و نفاق او تازه نیست»

مخالفت با ولایت عهدی یزید

معاویه در تلاشی استثنایی ولایت عهدی پسرش یزید را بر زبان ها جاری ساخت مسأله ای که در اسلام بی سابقه بود! معاویه در سال ۵۶ه.ق انجام این کار را از شام آغاز کرد و از بزرگان مدینه نیز خواست تا تن به این ولایت عهدی دهند. واکنش امام حسین (ع) و سایر اصحاب نامور منفی بود. میان معاویه و امام در این مدت مکاتباتی صورت پذیرفت و در نامه ای امام به معاویه هشدار

داد و او را به خدا ترسی رهنمون کرد و تاکید فرمود «خداوند فرمانروا کردن و بیعت ستاند تو برای فرزند جوانت را که شراب می نوشد و سگ بازی می کند، از یاد نخواهد برد.» حضرت در مرقومه ای دیگر، به تنیدی با معاویه سخن راند و او را بر کارهایش ملامت کرد و فرمود: «فرزند خود را که نوجوانی شراب خوار و سگ باز است جانشین خود ساختی پس در امانت خود خیانت روا داشتی و زیر دستان خود را به تباهی کشاندی و سفارش پروردگارت را به جا نیوردی چگونه کسی بر مسلمانان می گماری که شراب می نوشد؟! با این که شراب خوار از فاسقان و تبهکاران است و شراب خوار بربک درهم نیز امین نیست چگونه بر امتی امین باشد؟ بزودی آن گاه که نامه های استغفار و توبه پیچیده شود، نتایج شوم عمل خود را دریابی «معاویه برای تثبیت موقعیت یزید، به مدینه و مکه آمد و ابن عباس و امام حسین (ع) را خواست و حضرت در سخنانی بر این گفته معاویه که «یزید خود به حدکمال رسیده و می تواند امت محمد را اداره کند!» اشاره کرد و فرمود: «گویا شخص پوشیده و ناشناخته ای را توصیف می کنی یا از کسی که آگاهی ویژه درباره او داری خبر می دهی! یزید خود با رفتار و کردارش به جایگاه اندیشه اش رهنمون می شود. برای یزید از همان گونه که خود به آن پرداخته هم چون پی سگ های برانگیخته افتادن و کبوترهای پیش افتاده و زنان نغمه سرا در تار و تنبور را سرگرم شدن که او را یاور سخنان خواهی یافت و دست از

این تلاش‌ها بردار. «معاویه چون از فضیلت و قرآن‌خوانی یزید و برتری‌اش بر حسین بن علی (ع) گفت امام از این سخن باطل و دروغ معاویه تعجب نمود و در پاسخ فرمود: «یزید خمار، فاسق و فاجر را بهتر از من می‌گویی» معاویه از کیفیت برخورد امام ناراضی بود و به ابن عباس گفت از حسین (ع) رنجیده‌ام که با پسر من بیعت نمی‌کند و او را به اهانت‌ها منسوب می‌دارد. گرچه در محفلی بزرگ سران سپاه شام شمشیر کشیدند و امام حسین (ع) و سه نفر دیگر را تهدید کردند که در صورت عدم بیعت با یزید آنها را خواهند کشت و مردم نیز گمان کردند که ایشان بیعت نموده‌اند، امام حسین فرمود: «والله که ما یزید را در مخفی و آشکار بیعت نکرده‌ایم. معاویه در آخرین لحظات به یزید، درباره شیوه رفتار با امام حسین (ع) چنین توصیه کرد که «او را مرنجان لکن گاه گاهی تهدیدی کن زینهار در روی او شمشیر نکشی و به طعن و ضرب البته با او دیدار نیابی»

روشنگری و هدایت نخبگان

امام حسین (ع) در خطبه‌ای که گویا در منی ایراد شده است - نخبگان و عالمان برجسته جامعه را مورد خطاب قرار داد؛ آنان که «نامور به نکویی معروف به خیرخواهی و به لطف خدا در دل مردم شکوهمند» بودند، کسانی که «شرافتمند و دولتیار» از ایشان پروا داشته و ناتوان گرامیشان «و هرگاه حاجتمندان از رسیدن به نیاز خود محروم مانند» ایشان را «واسطه آرند و» به شکوهی چون شوکت شهر یاران و بزرگواری بزرگان در راه گام بر می‌دارند. امام

نخبگان را به درنگ در این پرسش واداشت که آیا این همه از آن رو نیست که شما به پایگاهی رسیده اید که مردم از شما امید دارند تا به حق خدا قیام کنید و اگر از قیام به بیشتر حقوق الهی کوتاهی ورزید حق امامان را خوار شمرده اید.» امام با بیان این مهم که «شما را به خاطر خدا در میان مردم ارجی است، رمز ارجمندی و برتری نخبگان را مرهون کرامت الهی دانست و سستی ایشان در برابر دفاع از دین خدا را این گونه مورد نقد و بررسی قرار داد: «نه مالی پراکندید و نه جانی را در راه جان آفرین به خطر افکندید و نه برای خدا با گروهی در افتادید.» آن حضرت با توجه شناخت واکنش نخبگان و عالمان آنان را به تامل واداشت و فرمود: «به چشم می بینید که پیمان های الهی شکسته شده ولی نمی هراسید، و عهد (ولایت پیامبر خدا (ص)) خوار شمرده شده است و کوران و لالان و زمین گیران در همه شهرهای (جهان اسلام و انواده مانده اند و بر آنها ترحمی نمی شود، شما به اندازه شأن و پایگاهی که از آن برخوردارید، کاری نمی کنید و بدان کس که (در آن جهت کار می کند مددی نمی رسانید و با چرب زبانی و سازش پیش ستمکاران خود را آسوده می سازید!» در نگاه حسین بن علی (ع)، «گردش امور و اجرای احکام به دست عالمان به خداوند است که بر حلال و حرامش امینند» و سستی چهره های نامی اسلام و کوتاهی آنان در «نگه داشت پایگاه علما»، سبب شد تا این پایگاه از ایشان گرفته شود. اما علت این

خلع ید از عالمان را «پراکندگی و جدایی از حق و اختلاف در سنت پیامبر بعد از دلیل روشن دانست و ثمره چنین عملکردی موجب شد که آنان ستمکاران را در پایگاه خویش جای دادند و زمام امور حکومت خدایی را به دست پلیدترین افراد سپردند، آنان که به هر شهری سخنرانی زبان باز و نعره پرداز بر منبر دارند و تمام سرزمین اسلام بی دفاع زیر پایشان افتاده و دستشان در آن جا باز است و مردم برده وار در اختیار آنانند.» «لو صبرتم علی الأذى و تحملتم المئونه فی ذات الله کانت امور الله علیکم ترد و عنکم تصدر و ءالیکم ترجع و لکنکم مکنتم الظلمه من منزلتکم و استسلمتم أمور الله فی أیدیهیم یعملون بالشبهات و یسیون فی الشهوات اگر بر آزار شکیبا بودید و در راه خدا تحمل به خرج می دادید امور خدا با شما، به دست شما در می آمد و احکام او از (جانب شما صادر می شد و مرجع همگان قرار می گرفتید، ولی شما خود ستمکاران را در پایگاه خویش جای دادید و زمام امور (حکومت خدایی را به دست آنان سپردید تا به شبهه کارها کنند و به راه شهوت ها روند.» سالار شهیدان با اظهار شگفتی از حاکمیت امویان چنین فرمود: «چرا در شگفت نباشم که زمین از آن ستمگری دغل پیشه و باج گیری ظالم و حاکمی (شورور) است که بر مؤمنان رحم نیارد. پس خدا در کشاکشی که ما داریم حاکم و به حکم خود در مشاجره ای که میان ماست داور باد. بارالها! تو خود می دانی آنچه از ما برآمده از سر رقابت در سلطنت و میل به افزودن

کالای دنیا نبوده است بلکه از آن روست که پرچم دین تو را افراشته بینیم و اصلاح را در کشورت آشکار کنیم و بندگان ستمدیده ات را امانی دهیم تا به فرایض و سنت ها و حکم ات عمل شود.» امام حسین (ع) سخن خویش را با این جمله پایان داد که «اگر شما ما را یاری نکنید و به ما حق ندهید، قدرت ستمگران هم چنان بر سر شماست و آنان به خاموش کردن نور پیامبران می پردازند.» سخنان حضرت سیدالشهداء، وجدان گروه اندکی از چهره های نامور را متحول ساخت هر چند که کلام نورانی امام برای بسیاری از آنان کارگر نیفتاد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

